

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
Tel: 0049 1633458007
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان نسرین رمضانلی
Tel: 00491757377539
E-mail: pramzanali@yahoo.de

ایسکرا

۳۲۸

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۹ شهریور ۱۳۸۵، ۲۰ سپتامبر ۲۰۰۶

abdolgolparian@yahoo.com

سر دبیره: عبدال کلپریان

تجمع کارگران شاهو در مقابل استانداری در شهر سنندج



روز ۲۷ شهریور ۱۳۸۵ کارگران شاهو همراه با خانواده هایشان در مقابل استانداری در شهر سنندج تجمع کردند. این تجمع به دنبال ارسال نامه ای به استاندار صورت گرفت که در آن کارگران مطالبات خود را مجدداً مورد تاکید قرار داده بودند.

این تجمع از ساعت ۸ تا ۱۰ صبح به وقت محلی در مقابل استاندار ادامه داشت. در جریان این تجمع اعتراضی نمایندگان کارگران با استاندار مذاکره کردند و در نتیجه این مذاکرات استاندار طی نامه ای به اداره کار یاد آور شده است که به منظور رسیدگی به حقوق کارگران باید اقدامات لازم انجام شود. همزمان نیروهای انتظامی هم به اداره کار اعلام کرده اند که حقوق کارگران شاهو باید پرداخت شود.

به دنبال حمله وحشیانه نیروهای ضد شورش به کارگران

زده اند، اما همه مطالبات آنها هنوز عملی نشده است. کارگران شاهو از اول سال ۸۵ حقوقشان پرداخت نشده است. طبق تصمیم مدیریت کارخانه شاهو، همه کارگران اخراج شده و کارخانه قرار است به اسم جدیدی آغاز به کار کند. کارگران خواهان پرداخت حقوقهای معوقه و بازگشت به کار هستند.

پریس که با اعتراضات متعددی روبرو شد مقامات دولتی در کردستان با اقدامات اخیرشان میخواهند از خشم و نفرت کارگران بکاهند. اما کارگران کارخانه های نساجی شاهو، نساجی کردستان و پریس با مشکلات عدیده ای مثل اخراج و بیکارسازی، عدم پرداخت دستمزد و شرایط کار سخت روبرو هستند. کارگران این کارخانه ها حدود دو سال است که در مقابل سیاستهای کارفرما و دولت متناوباً دست به اعتراض و تجمع

کمیته کردستان
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ شهریور ۱۳۸۵
۱۸ سپتامبر ۲۰۰۶

وضعیت زنان در بازار کار ایران!



اسماعیل مولودی

سخنرانی اسماعیل مولودی

در کنفرانسی سالانه
سازمان آزادی زن

۲ سپتامبر ۲۰۰۶

همه وضعیت طبقه کارگر و در این میان بخصوص زنان کارگر. در جمهوری آیتااید جنسی جمهوری اسلامی، زنان کارگر ۶۰ درصد حقوق مردان کارگر مزد میگیرند البته این در بهترین حالت و در کارخانه های بزرگ که مجبورند تا اندازه ای حقوق کارگران را رعایت کنند و نیز خود سابقه مبارزاتی

با سلام به شما دوستان عزیز در سازمان آزادی زن و همچنین خوش سمینار. خوشحالم که در اینجا هستم و میخواهم در مورد مسئله ای حرف بزنم که برهمگان عیان است. عیان بدین معنا که همه آگاه و واقف هستند چه بر زنان در جمهوری اسلامی میگردد اما دردناکتر از

گزارشی از اعتراض کارکنان بیمارستان خمینی
در شهرستان سردشت

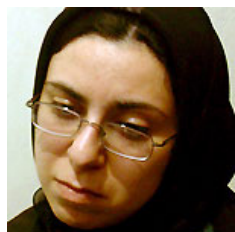
فرخنده رضائی

صفحه ۳

فراخوان مشترک خانواده رحمانپور، حقیقت پزو و فاتحی کمک کنید عزیزان ما از اعدام نجات یابند!



نازنین فاتحی



کبار رحمانپور



فاطمه حقیقت پزو

صفحه ۳

اعدام ممنوع باید گردد!

سینا ۱۸ ساله را از اعدام نجات دادیم
کبار را هم باید نجات دهیم

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ازصفحه ۱

وضعیت زنان در بازار کار ایران!

کارگران و تشکل آنها يك سری خواستهارا به طبقه سرمایه دار تحمیل کرده است. پس موضوع من که تحقیق کوتاه در مورد موقعیت و وضعیت زنان کارگر در بازار کار ایران است میباید. لازم است یادآوری کنم که منابع و اسنادی که در این بحث آورده ام موجود است و تلاش کردم بیشتر از منابع خود مسئولین خانه کارگر و نیز از همه مهمتر از نوشته های و فعالین کارگری که امروز در ایران درگیری رو در رو با جمهوری اسلامی دارند، همچنین از منابع و اطلاعاتی که جریانهای کارگری بخصوص فعالین کارگری که بنحوی با حزب کمونیست کارگری در ارتباط هستند استفاده کنم. نکته دیگر هر تحقیقی هدفی دارد و هدف من در اینجا در وهله اول نشان دادن وضعیت طبقه کارگر بطور کلی نیست بلکه بیشتر در مورد بخشی از طبقه کارگر است که کمتر در موردشان صحبت میشود و آنها هم زنان کارگر است.

دوست دارم صحبتیم را با يك نوشته کوتاه در مورد دختران کارگر قالی باف که در روزنامه شرق است شروع کنم.

در سال ۷۱ يك دختر ۹ ساله مقام اول بافندگی فرش را کسب کرد، در سال ۷۴ يك دختر ۱۲ ساله از ورآمین در مدت ۸ ماه بافت يك فرش ۱۷ متری را به پایان رساند و در همان سال يك کودک ۵ ساله لرستانی به عنوان استاد بافندگی شهر معرفی شد (نقل از روزنامه شرق، ۲۹ دی ۱۳۸۳).

اول از قوانین کار جمهوری اسلامی شروع میکنم تا ببینیم در مورد زنان کارگر چه میگویی.

این قوانین با توجه به تغییرات و تبصره های ریز و درشت بعینه هیچ حقوقی که جوابگوی نیاز امروز انسانها باشد در بر نمیگیرد. اولاً جوابگوی نیاز کارگران نیست ثانیاً زنان کارگر هیچ جایی در آن ندارند. ولی باید بهش پرداخت چون بهر رو

جامعه را با آن بچپ چپ و براست راست میکنند.

قانون کار طبق گفته علمای شورای نگهبان که بعد از ۱۱ سال مبارزه کارگران بالاخر بتصویب رسید نه بر مبنای حقوق کارگران بلکه بر مبنای سازش و به سرانجام رساندن امر صاحب کار نوشته و تصویب شده است. طبق قانون شرح اسلام، قانون کار وجود ندارد بلکه اساساً بر باب اجازه تاکید دارند یعنی در اجازه باید رضایت طرفین باشد. طبق نظر شورای نگهبان هر ماده ای قانونی توافق طرفین درش نباشد باید از قانون برداشت. یعنی کارگر حق ندارد خواستی داشته باشد چون صاحب کار بر مبنای سود طرف را استخدام میکند. در نتیجه فقط به دادن نان بخور و نمیر راضی است و بس. مثلاً در قانون هست که کودکان زیر ۱۵ سال حق ندارند کار کنند ولی تبصره میگویی کودکان در هر سنی میتوانند با اجازه والدین بکار گمارده شوند. بنابراین قانون کار جمهوری اسلامی بر مبنای سازش طبقاتی تنظیم شد و بس. در فصل ششم از قانون تشکل کارگری / کارفرمایی اسم میبرد و در تبصره ۴ ماده ۱۳۱ قانون کار میگویی "کارگران يك واحد میتوانند یکی از سه تشکل را داشته باشند شورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده کارگران" بزبانی دیگر کارگر حق ندارد تشکل مستقل خود را داشته باشد. از همه مهمتر طبق ماده ۱۳۸ قانون کار "مقام ولایت فقیه در صورت مصلحت میتواند در هر يك از تشکلهای مذکور نماینده داشته باشند"

اگر زنان کارگر را دسته بندی کنیم میتوان به چهار دسته اشاره کرد:

۱- زنان کارگر در کارخانه های بزرگ: که خوشبخت ترین زنان کارگر می باشند که در کارخانجات بزرگ کار می کنند، چون حداقل زیر پوشش قانون کار قرار دارند. عمدتاً این بخش از زنان کارگر، در کارخانه

های لوازم خانگی، کارخانه های موتوژا لوازم الکتریکی، کارخانه های لوازم بهداشتی - آرایش و مواد غذایی اشتغال دارند. البته در بخش های خدمات و نظافت، و هم در خط تولید نقش دارند و کار می کنند. اما به سبب خصوصی سازی، قراردادی شدن، جهانی سازی و غیره روز بروز از تعداد این زنان در محیط کار کم و کمتر میشود.

قانون کار جمهوری اسلامی در مورد زنان دارای چهار ماده است در فصل سوم شرایط کار مبحث چهارم. مواد، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹

این مواد اساساً در باره ممنوعیت کارهای سنگین بزنان در دوران بارداریست که در ماده ۷۵ میگویی زنان حق ۹۰ روز مرخصی دوران بارداری دارند. ۴۵ روز قبل از وضع حمل و ۴۵ روز بعد. در ادامه اشاره میکند که در صورت امکان در دوران حاملگی از انجام کارهای سنگین معاف باشند. ماده ۷۶ میگویی در صورت تشخیص پزشک متخصص، زن باردار از بعضی کارها معاف گردد و در ماده ۷۷ به دایر کردن شیرخوارگاه و مهد کودک ایجاب این مراکز و نحوه اداره آنها را بیان میکند. ماده ۸۳ به حقوق مساوی در مقابل کار مساوی در شرایط مساوی در يك کارگاه یا کارخانه اشاره دارد. همچنین این ماده هر گونه تبعیض بخاطر جنسیت، نژاد، قومیت، سن و اعتقاد سیاسی و مذهبی را ممنوع میکند. در قانون کار ماده ۹۶ به ایجاد بازرسی کار در مراکز و کارخانه و کارگاهها میپردازد و به منظور اجرای صحیح قوانین و ضوابط حفاظت فنی اداره کل بازرسی وزارت کار و امور اجتماعی این وظیفه را بر عهده دارد. وظایف بصورت زیر است: نظارت بر مقررات ناظر بر شرایط کار، مقررات حمایتی مربوط به کارهای سنگین و سخت، مدت کار، مزد، اشتغال زنان و رفاه کارگران. اینها موادی هستند که در سراسر قانون کار به زنان ارتباط دارد.

البته همگی این قوانین شامل کارگاهها و محل کارهایی میشود

که بیش از ده کارگر دارد. همه میدانیم که زنان بیشتر در کارگاههای کوچک و کارگاههای خانوادگی مشغول بکارند. در مراکز بزرگ صنعتی و کارخانه های بزرگ روز بروز مقرراتی وضع میکنند که زنان را از محیط کار به کنج خانه برانند. در کارخانگی و در کارگاههای کوچک صاحبکار برای تحمیل هر بیحقوقی به کارگران دستش باز است. در قوانین موجود کار هیچ جایی اسم از برابری زن و مرد نیست. در کشوری که تبعیض و آپارتاید جنسی قانونی است چگونه زنان از حقوق مساوی برخوردارند.

حتی در کارهای بالا و در سطح متخصصان و دانشگاه رفته ها، مثلاً مثل وکالت و در سطح کارشناسی در ماده ۴۵۹ قانون مجازات عمومی، زنان کارشناس با مردان کارشناس فرق دارند. این قانون میگویی گواهی دو کارشناس خبره مرد برای تشخیص جرم کافیتست. در غیر اینصورت اگر يك کارشناس خبره مرد و دو زن خبره کارشناس نظر بدهند نیز تشخیص قابل قبول است. اینجا به عینه علم و دانش توانایی علمی زنان، تخصص و تحصیلات آنها ارزش مساوی با مردان در همان سطح ندارد و نصف مردان بحساب میآید. وقتی در این سطح تفاوت هست وای بحال زن کارگر و کم سوادى که در يك کارگاه کار میکنند. رسماً و قانوناً زن در جامعه ایران شهروند درجه دوم است. حال قانون کار جای خود دارد زیرا جامعه طبقاتی حقوق مساوی درش مسخره است. ماده ۶ قانون کار میگویی: براساس بند چهار از اصل چهل و سوم و بند شش از اصلهای نوزدهم، بیستم و بیست و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی: اجبار افراد به کار معینی و بهره کشی از دیگری ممنوع است. مردم ایران از هر قوم و قبیله ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند. نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. همه افراد از زن و مرد در حمایت قانون قرار دارند. هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. اولاً در این قانون از برابری جنسی صحبتی در

میان نیست ثانیاً دست صاحب کار را باز گذاشته تا تحت نام مخالفت با شئون اسلامی یا مصالح عمومی هر بلایی را سر کارگر بیاورد. مثلاً اگر زنی شوهرش مخالف کار کردنش باشد هیچ کس بهش کار مدنی، مرد رئیس و سر پرست خانواده است حتی جدیداً برای صاحب کارانی که زن هستند قانون وضع کردند که زنان صاحب رستوران باید يك مباشر مرد داشته باشند. طبق ضوابط جدید اداره نظارت بر اماکن عمومی، زنان برای مدیریت رستوران باید يك مباشر مرد داشته باشند. در غیر اینصورت از فعالیت آنها جلوگیری خواهد شد. رئیس اتحادیه صنف رستوران داران آقای حسین آرمن میگویی: طبق ضوابط جدید، زنان علاوه بر گذراندن تمام مراحل قانونی و ارائه مدارک لازم باید يك مرد را بعنوان مباشر خود معرفی کنند. در غیر اینصورت اجازه کسب نخواهند گرفت. بقول مسئول نیروی انتظامی با نبودن مباشر مرد، امنیت اجتماعی منطقه بخطر میآفتد.

همه قوانینی که در مورد زنان وجود دارد فقط در کارگاهها و کارخانه های بزرگ اجرا میشود. مثلاً حتی مواد ۱۸۹، ۱۸۸، ۱۹۱ فقط به کارخانه و کارگاهی که بیش از ۱۰ نفر کارگر دارد صدق میکند. ماده ۹۸ در مورد بازرسی در باره شرایط کار و رعایت حقوق برابر برای زن و مرد است. این قانون تاکید میکند که بازرسی از محیط کار و دفاتر در هر زمان جایز است و مشمول ماده ۸۶ این قانون میتوان دفاتر و اسناد را حتی کپی برداری کرد. اما وقتی به کارگاههای کوچک و خانوادگی میرسد طبق تبصره باید مجوز دادستان محل را داشت. یعنی امتیاز دادن به کارگاههای کوچک، که ۹۰ درصد زنان کارگر در آنها بکار مشغول اند.

۲- زنان کارگر در کارگاهها و مراکزی که کمتر از ده نفر هستند. زن، شرایط آنها خیلی بد است به خاطر اینکه عمدتاً زیر پوشش قانون کار نیستند. از مهد کودک و شیرخوارگاه برخوردار نیستند و

از صفحه ۲

وضعیت زنان در بازار کار ایران!

درمانی نمیپردازد.

۴_ زنانی که در پیمانکاری ها کار میکنند. مثلاً یک نفر پیمانکار چند نفر را دارد که برایش کار میکنند. اینها دلال بین کارگر و صاحب کار هستند. مثلاً یک کاری را اگر با ده هزار تومان کنترت میگیرد به کارگر نصف آنرا میپردازد. مثلاً نظافتچی، سبزی خرد کردن و هر کار دیگری از این قبیل. هیچ قانونی بر کار این پیمانکاران وجود ندارد و هیچ نوع بازرسی از کار این گروه وجود ندارد. به گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ تنها ۳۰ درصد زنان ایران در فعالیتهای اقتصادی شرکت دارند. یعنی با توجه به جمعیت و به نسبت کشورهای دیگر ایران در میان ۱۶۵ کشور مقام ۱۵۵ را دارد. بیشترین

حضور زنان در اقتصاد مربوط به کشورهای آفریقایی مثل موزامبیک ۸۳ درصد تانزانیا ۸۲ درصد و برونلی ۸۳ درصد میباشد. کمترین رقم شامل کشورهای عربی در حوزه خلیج فارس است که عمان با ۲۰ درصد و عربستان سعودی ۲۲ درصد میباشد.

همچنین طبق گزارش سازمان بین المللی کار، زنان ایران در بخش خصوصی پنجمین دستمزد پایین در سطح زنان در خاورمیانه دارند. بگزارش روزنامه مهر، در آمد زنان در ایران در بخش خصوصی ۱۲۰ دلار در ماه است. محبوبه مقدم کارشناس ارشد پژوهشگری مطالعات زنان در همایش ۸ مارس میگوید: بین هشت تا ده میلیون زن ایرانی در فقر مطلق بسر میبرند.

بنا براین و با توجه به

البته نه کار روز مره و مشکلات خانوادگی شخصی بلکه در منزل خود مشغول بکار برای صاحبکاران کوچک هستند. مثلاً کارخانه های بزرگ یک بخش از تولیدات خود را به آنها میدهند مثلاً بستن پیچ و مهره به وسایل، زدن لاستیک به وسایل برقی، یا سرهم کردن و بسته بندی کردن وسایل الکتریکی و اسباب بازی بچه ها. عمدتاً این کار در خانه کارگر و افراد مسن یا زنان و دختران جوان این کارها را میکنند. در یک محله از خزانه، تمامی زنان محل برای پارس الکتریک و سایل الکتریکی کوچک سر هم میکنند. صاحب کار کمتر مزد را میپردازد، حق برق و آب و کرایه نمیدهد و از همه مهمتر به کسی هیچ حق بیمه و

رسماً دستمزد کمتری از مردها می گیرند. مثل کارگاه های پوشاک شنیده شده و مکتوب هست که در بعضی از کارگاههای پوشاک سازی زنان ۶۰ درصد مردان حقوق میگیرند. در مقابل کار برابر و مساوی. بخش بزرگی از زنان کارگر در این مراکز هستند زیرا در کارخانه ها بزرگ بدلیل اجرای قانون کار و مسئله بارداری، شیرخوارگاه صاحبکار از استخدام زنان طفره میبرد. در نتیجه زنان جذب این مراکز کوچک بیشتر میشوند.

۳_ زنان کارگری که اصلاً در آمار نیستند ولی در تولید سهم مهمی دارند. این زنان کسانی هستند که در خانه ها کار میکنند.

توضیحاتی که دادم زنان کارگر در ایران که آپارتاید جنسی درش قانونی است چگونه اجازه میدهد زنان از حقوق مساوی برخوردار باشند. من هدفم این بود نظر کنفرانس را به این معضل جدی جلب کنم و نشان دهم که دوستان، ما لازم است آستین ها را بالا بزنیم و تلاش کنیم زنان کارگر حقوق خود را بهتر بشناسند. تلاش کنیم که در بالا بردن خودآگاهی کارگری به آنها کمک کنیم. لازم است تلویزیون سازمان آزادی زن بخشی از کار روتین خود را به این معضل اختصاص دهد. خودآگاهی زنان کارگر کمک میکند که زنان تسلیم قانون تبعیض جنسی نشوند چرا که نیروی جدی در پیشبرد امر مبارزه طبقه کارگر در ایران هستند.

با تشکر فراوان

کمک کنید عزیزان ما از اعدام نجات یابند!

زندگی عزیزان ما. این عدالت نیست که قربانیان این شرایط اینچنین بیرحمانه به زندان بیفتند و به چوبه دار آویخته شوند.

ما با در دست داشتن عکس این عزیزان که در انتظار روزهای پایانی زندگی خود هستند، یکشنبه در مقابل دفتر سازمان ملل در تهران جمع میشویم. ما میخواهیم با صدای رسا بگویم عزیزان ما را اعدام نکنید. به یاری ما بشتابید. این غیر قابل تصور است که عزیزترین فرد زندگیت، جگر گوشه ات، طناب دار بر گردنش آویزان

ناعدالانه هستند. اگر شرایط زندگی آنها اینچنین دشوار و غیرقابل تحمل نبود امروز هرکدام در دانشگاه مشغول تحصیل بودند و یا در کارخانه ای، در اداره ای، جایی مشغول کار بودند. شرایط دشوار زندگی آنها را به این روز انداخته است. این شرایط است که باید محکوم شود. این فقر و نابرابری است که باید محکوم شود. به فقر و نابرابری باید پایان داده شود و نه به

هموعان، مردم انساندوست عزیزان ما را به اعدام محکوم کرده اند و قرار است به دار آویخته شوند. ما خانواده های محکومین به اعدام، هر لحظه، نگران شنیدن خبر اجرای حکم اعدام عزیزان خود هستیم. عزیزان ما قربانی فقر هستند. قربانی نابرابری و تحقیر و توهین روزمره هستند. قربانی قوانین

شماره ۳۹ جمع میشویم و از همه شما میخواهیم ما را بیپوندید و ما را یاری دهید.

خانواده کبرا رحمانپور
خانواده نازنین فاتحی
خانواده فاطمه حقیقت پژوه

باز تکثیر از کمپین برای
نجات جان کبرا
۲۷ شهریور ۱۳۸۵

www.Save-kobra.blogfa.com
campagne.kobra@gmail.com

اجرا نمیکنیم یعنی چه، دیگری می گوید ما باید نان بخوریم تا نیرو داشته باشیم کار کنیم. نفر بعدی با صدای بلند اعلام می کند مگر شما از حقوق خود گذشت می کنید که اینرا از ما میخواهید؟ یکی دیگر می گوید ما مستاجر هستیم دو ماه است کرایه خونه را پرداخت نکرده ایم و... رئیس بیمارستان با تأکیدی دیگر بر اینکه همه شما را راحت می توانیم اخراج کنیم و لیسانسه های بیکار را استخدام کنیم محل را ترک می کرد. با وجود این اعتراض و تجمع حقوق کارکنان این بیمارستان هنوز پرداخت نشده

است. لازم به ذکر است کارکنان بیمارستان بابت ۲۴ ساعت کار فقط حقوق ۶ ساعت را دریافت می کنند. حقوق واقعی کارکنان ۴۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان است. در حالی که حقوق ماهانه ای که به کارکنان این بیمارستان پرداخت میشود بطور متوسط ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار تومان است. این کارکنان از هیچ مزایای برخوردار نیستند. حق شیفت، پول عیدی و پول برای لباس کار و بیمه های اجتماعی و... به آنها پرداخت نمیشود.

پایان گزارش

گزارشی از اعتراض کارکنان بیمارستان خمینی در شهرستان سردشت کارکنان این بیمارستان دو ماه حقوق نگرفته اند

که از ما میخواهید بعد از دو ماه به تعویق افتادن حقوقمان باز هم اعتراض نکنیم. یکی از کارکنان میگوید شما نمی توانید ما را بفهمید یا نمیخواهید درد ما را متوجه شوید. هنگامی حقوق دریافت نمیکنیم یعنی زندگی روزمره ما فلج میشود. شما درد ما را نمیفهمید وقتی به کودکان قول می دهید اگر درستان خوب باشد برایشان دوچرخه و اسباب بازی می خریم و این قول را

لیسانسه بیکار داریم و حاضرند دستشویهای بیمارستان را تمیز کنند. حالا که شما فقط دو ماه حقوق دریافت نکرده اید معترض هستید. کارکنان بیمارستان نسبت به این اظهارات بشدت عصبانی شده و اعلام می کنند آقای رئیس شما دهم برج حقوق اضافه کاری را می گیرید بیستم برج حقوق کارانه را می گیرید و آخر ماه هم حقوق خودتان را دریافت می کنید. پس چگونه است

کارگران بیمارستان خمینی در شهرستان سردشت دو ماه است حقوق دریافت نکرده اند. کارکنان این بیمارستان با سابقه کار بیش از ۱۰ سال در این بیمارستان کماکان قراردادی هستند. در پی اعتراض کارکنان این بیمارستان به دلیل به تعویق افتادن دو ماه حقوقشان حسن زاده رئیس بیمارستان در جمع کارکنان حاضر شد و اعلام کرد که " شما اعتراضاتنا حق است. در همین شهر ما لیست ۱۰۰۰ نفر

به کمک خود شما، به کمک مردم آزادیخواه و انسان دوست، به کمک پدر و مادر آنها، به کمک اینهمه انسان نازنین و خوب همه تلاشمان را برای نجات آنها خواهیم کرد.

نجات سینا يك اقدام بسیار مهم بود. خبرگزاریها نوشتند چند ساعت دیگر سینا اعدام میشود. ما امیدوار بودیم که جلو اعدامش را بگیریم و گرفتیم. تازه جشن تولد هیجده سالگی اش در زندان برگزار شده بود. سینا را تا پای دار بردند و طناب دار به گردنش انداختند، اما ما طناب را از گردنش باز کردیم و اجازه ندادیم اعدامش کنند. با قدرت و امکانات مخالفین اعدام و نقش برجسته کمیته بین المللی علیه اعدام با همکاری نازنین افشین جم جمهوری اسلامی عقب نشست. اما این فقط قدم اولیه است. باید تلاش کرد مجازات اعدام لغو شود، همه احکام اعدامها و قانون قصاص لغو شود. باید تلاش کرد این قوانین دوران توحش بشریت از جامعه انسانی امروز رخت بریندد.

اما الان وقت تلاش و مبارزه برای نجات کبرا، شهلا، نازنین و فاطمه حقیقت پژوه ... است. روز یکشنبه خانواده های آنها فراخوان تجمع مقابل سازمان ملل داده اند. مردم باید به نیروی خود اعتماد کنند. سینا را در آخرین لحظات نجات دادیم. کبرا و بقیه را هم میتوانیم نجات دهیم. باید خفاشان حاکم را عقب برانیم. روز یکشنبه خانواده کبرا و فاطمه و نازنین را همراهی کنیم ساعت ۵ مقابل سازمان ملل در خیابان شریعتی بالاتر از حسینیه ارشاد، خیابان قبا، بلوار شهزاد شماره ۳۹ یادتان نرود.

مینا احدی
رئیس کمیته بین المللی
علیه اعدام
۲۹ شهریور ۸۵

تلفن تماس:
۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳
Email: minaahadi@aol.com

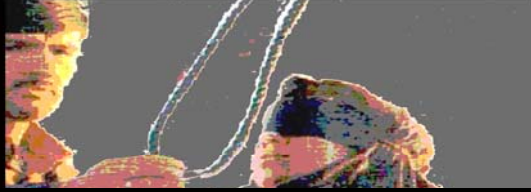
تهران رفته است. دوست ما میگوید: صبح ساعت ۴ سینا را به میدان اعدام برده بودند. طناب دار را به گردنش انداختند و چهار پایه را زیر پایش گذاشتند، بعد از لحظاتی در حالی که قلب ما در حال تپش شدید بود دیدیم که طناب را از گردن سینا درآوردند و گفتند حکم اجرا نمیشود. ما همگی در شادی این لحظات غرق شدیم. او گفت البته يك خبر بد هم دارم. همین امروز وحید ۱۸ ساله را اعدام کردند. به او گفتم این يك فاجعه است. چرا زودتر به ما خبر نمیدهند. چرا دیروز حکم اعدام وحید بیچاره را به ما اطلاع ندادند؟ گفتم خبر نداشتیم وگرنه اسم او را هم مطرح میکردیم شاید هم او نجات می یافت.

متأسفانه خبر را بعد از اعدام به ما دادند. او از خانواده خیلی فقیری بوده است. امکان گرفتن وکیل نداشته است. خیرش جایی درز نکرده است. قبلا خبر حکم اعدام او جایی علنی نشد و در خفا اعدامش کردند.

صبح روز چهارشنبه ۲۰ سپتامبر است و من در حالیکه میدانم در کانادا نصف شب است به نازنین زنگ میزنم و میگویم که سینا نجات یافت. نازنین با هیجان و شادی از این خبر استقبال میکند. شاید غیر قابل باور باشد، ولی با يك مجموعه اقدامات اضطراری جان يك جوان ۱۸ ساله نجات می یابد. به نازنین افشین جم و به همه کسانی که با اقدامات خود کمک کردند سینا اعدام نشود درود میفرستم. این زیباترین احساس است که جان يك نفر را نجات دهی و امروز بخصوص جان يك جوان ۱۸ ساله نجات یافت.

پیام ما به همه مردم اینست: لطفا خبرها را بموقع به ما برسانید. با ما تماس بگیرید. شاید بتوانیم کاری بکنیم. تاکنون جان تعدادی را به کمک خود شما نجات داده ایم. بخصوص اگر قرار است جنایتکاران حاکم کودک و نوجوانی را اعدام کنند يك لحظه هم صبر نکنید مشخصات کامل را به ما بدهید ما

اعدام ممنوع باید گردد!



سینا ۱۸ ساله را از اعدام نجات دادیم کبرا را هم باید نجات دهیم



مینا احدی

میزنم. به تلفنهای اضطراری وزارت امور خارجه آلمان زنگ میزنم و هرچه که میتوانیم انجام میدهیم. الان دیگر پنج ساعت به اعدام سینا مانده است. لحظه به لحظه با هر کسی که امکان کمک کردن دارد، تماس میگیریم. من و نازنین افشین جم اقداماتمان را چک میکنیم و قدم بعدی را برمیذاریم.

همزمان من در يك جلسه هم شرکت دارم. در استراحت های وسط جلسه با نازنین کارها را چک میکنم. جلسه تمام میشود و الان فرصت کافی دارم که مفصل با نازنین صحبت کنم. ساعت دو شب به وقت اروپا است. نازنین میگوید شورای حقوق بشر سازمان ملل قول داده است که نامه فوری از نیویورک به ژنو بفرستد و اقدام فوری قرار است انجام بگیرد. نازنین در ادامه میگوید آخرین گفتگو با وکیل پرونده نشان میدهد که او خیلی نگران است و میگوید مگر این وقت شب، کسی با شاهرودی تماس بگیرد.

من و نازنین منتظر اقدامات شورای حقوق بشر سازمان ملل هستیم. صبح ساعت شش اینترنت را چک میکنم. با نگرانی و اضطراب دنبال خبر بودم، آیا سینا تا الان اعدام شده است؟ خبری نیست. تنها راه کسب خبر دقیق و فوری کسانی هستند که احتمالاً به محل اعدام رفته اند. يك نفر که شاهد ماجرا بوده است گفت سینا اعدام نشده است!

نماینده سازمان ملل در تهران نیمه شب با وکیلش تماس گرفته و پدر سینا نیمه شب به دفتر آنها در

من و نازنین افشین جم، شب قبل مشغول این موضوع بودیم. و امشب خبر اعدام يك جوان ۱۸ساله، برای ما کافی بود که فکر کنیم احتمالاً نازنین را میخوانند اعدام کنند.

به نازنین افشین جم زنگ زدیم و پیام گذاشتم که "کار فوری دارم زنگ بزن"، لحظاتی بعد صدای نازنین از آنطرف خط میآید مینا چی شده؟ و تعریف میکنم. مجدداً تلفن سعید ویسی را میگیرم و میگویم دقیق بگو چی شنیدی و او باز هر چه یادش مانده را تعریف میکند.

با ایران تماس میگیریم کسی نمیداند این فرد که قرار است فردا ساعت ۴ به دار آویخته شود کیست. با نازنین افشین جم حرف میزنم و به نازنین میگویم اول باید اسم او را پیدا کنیم و ببینیم وکیلش کیست؟ بعد از یکساعت آماده باش در کمیته بین المللی علیه اعدام، محمد آسنگران میگوید خبر را پیدا کرده ام. خبر دقیق اینست: سینا ۱۸ ساله در اوین اعدام میشود. وکیل او نسرین ستوده در گفتگو با بی بی سی این خبر را گفته است. به وقت اروپا، ساعت ۸ شب است و همه جا تعطیل. کار زیادی اینجا نمیتوان کرد اما در کانادا و آمریکا وقت اداری است. باید در آنجا کاری کرد.

نازنین به فردی که در نشست قبلی من و خودش با کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، او را ملاقات کرده ایم زنگ میزنم. میگوید که احمدی نژاد الان نیویورک است و باید به او اعتراض کنید. در عین حال با چند خبرنگار در سازمان ملل تماس میگیرم. من با دوستان خودمان در سوئد حرف

سینا که ده روز قبل جشن تولد هیجده سالگی را در زندان اوین گرفته بود

سحرگاه امروز طناب دار بر گردنش انداخته شد اما اعدام نشد

گزارش لحظات کسب خبر تا کنون:

خبر را شب گذشته ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶ از طریق سعید ویسی از شهر فرانکفورت آلمان شنیدم. او گفت الان رادیویی بی سی در مورد فردی به اسم زینا حرف زد که ۱۸ ساله است و قرار است فردا اعدام شود. برنامه جام جهان نما ساعت ۷ شب به وقت آلمان.

ابتدا فکر کردم احتمال دارد این نازنین فاتحی باشد زیرا دیروز او را از زندان گوهر دشت به زندان اوین منتقل کرده بودند و من نگران او بودم. برای اطمینان به سعید ویسی زنگ زدیم که اسم دقیق را بپرسیم. او گفت ۱۸ ساله بوده اما اسمش را دقیق متوجه نشدم ولی اسمش با حرف "ز. یا. س" شرح میشود. بار دیگر نگرانیم بیشتر شد. به خودم گفتم، نازنین را دیروز از زندان گوهر دشت به اوین منتقل کرده اند و ساعت چهار بعد از ظهر بود که خانواده او به من زنگ زدند و نگران بودند. متوجه شدم نازنین زنگ زده و گفته مامان الان تعدادی مسلح آمده اند اینجا و به من میگویند وسایلت را جمع کن میبریمت اوین.

طفلی نازنین با وحشت و گریه گفته بود، شاید میبرند اعدام کنند و مادر که از شدت ناراحتی حق هق گریه میکرد میگفت، به دادم برسید، نمیدانم چرا او را برده اند.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!